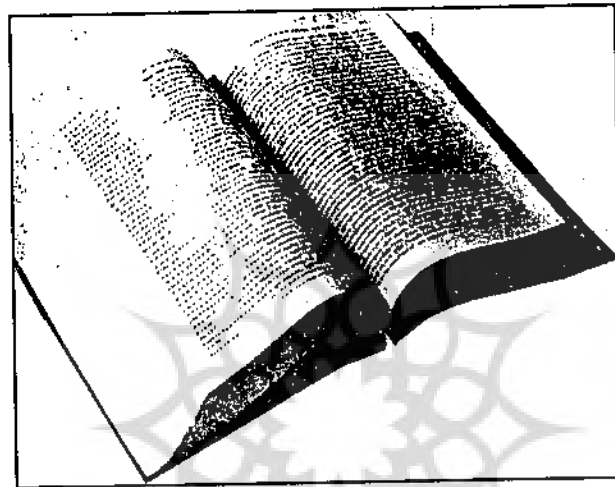


اعتماد السلطنه؛ روزنامه نگار بنام عصر ناصری و کتابی برای شناخت و معرفی او



○ معین الدین محرابی
کارشناس مرکز مطالعات
و تحقیقات رسانه‌ها

روزنامه‌خوان و کتابخوان مخصوص ناصرالدین شاه نیز برگزیده شد.

آنچه که درباره فعالیت‌های قلمی اعتمادالسلطنه می‌توان گفت این است که اوچ این فعالیت‌ها از سال ۱۲۸۸ قمری به بعد بوده و وی از این زمان به بعد است که موفق به تألیف و ترجمه ده‌ها اثر می‌گردد و ضمن آن مدیریت جراید مختلفی چون «میریخ»، «شرف»، «اطلاع»، «علمی» و... را عهده‌دار می‌شود.

محمدحسن خان که در سال ۱۲۸۸ ملقب به «صنیع‌النوله» گردیده بود، در سال ۱۳۰۴ ق نیز مفتخر به دریافت لقب «اعتماد السلطنه» گردید و عاقبت پس از سال‌ها تلاش و مبارزات پروری در ۱۸ شوال سال ۱۳۱۳ قمری در تهران درگذشت.

و اما پس از این مقدمه باید این نکته را اذعان نمود که اعتمادالسلطنه تنها یک روزنامه‌نگار، وزیر مطبوعات و صاحب آثار عدیده نیست، بلکه شخصیت والایی است که مقام و منزلت وی را از جنبه‌های مختلف باید مورد بررسی قرار داد.

می‌کرده گام‌های موثری برداشته است.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه پسر حاج علی‌خان مقدم مراغه‌ای، نویسنده، روزنامه‌نگار، محقق، مترجم و دولتمرد صاحب نام عصر ناصری در سال ۱۲۵۹ قمری در تهران متولد و از سال ۱۲۶۲ ق تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون در رشته پیاده‌نظام آغاز نمود. وی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در حالی که ۱۷ سال بیشتر نداشت به حکومت شهر شوشتر منصوب گردید و از سال ۱۲۸۰ ق به عنوان وابسته نظامی ایران به پاریس اعزام شد. وی در مدت اقامت پاریس تحصیلات خود را تکمیل و در سال ۱۲۸۴ ق به ایران بازگشت.

اعتمادالسلطنه پس از بازگشت از پاریس یعنی در همان سال ۱۲۸۴ ق به مترجمی دربار ناصرالدین شاه منصوب گردید و از همان زمان با نوشتن برخی مقالات برای جراید آن دوره به زندگی مطبوعاتی روی آورد و از سال ۱۲۸۸ ق تصدی اداره روزنامه‌جات دولتی و مدیریت روزنامه ایران و ریاست دارالترجمه دولتی را عهده‌دار و به دریافت لقب «صنیع‌الدوله» مفتخر گردید و به عنوان

○ مشاهیر مطبوعات ایران، جلد اول: اعتمادالسلطنه

○ سیدفرید قاسمی

○ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

○ چاپ اول، بهار ۱۳۷۹

هفت سال پس از انتشار نخستین روزنامه فارسی چاپ ایران که با نام «کاغذ اخبار» از ماه محرم سال ۱۲۵۳ هجری قمری شروع به انتشار نمود. کودکی زاده شد که بعدها یکی از برجسته‌ترین روزنامه‌نگاران عصر ناصری به شمار آمد.

وی محمد حسن خان ملقب به اعتمادالسلطنه پسر حاج علی خان مقدم است که همکاری قلمی خود را با مطبوعات از سال ۱۲۸۴ قمری یعنی ۳۱ سال پس از پیدایی «کاغذ اخبار» آغاز کرده و متعاقب آن در سال ۱۲۸۸ قمری یعنی ۲۵ سال پس از پیدایی «کاغذ اخبار» مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار گردیده است. وی از آن زمان تا هنگام مرگ (۱۳۱۳ ق) علاوه بر مدیریت جراید مختلف، در رونق روزنامه‌نگاری فارسی در حدی که شرایط روز اقتضا

وی مترجمی است توانا، پژوهشگری است نکته‌بین در جغرافیا، محقق است نکته‌سنج در تاریخ، و جستجوگری است که علاوه بر تألیف کتاب‌های متعدد در تاریخ و جغرافیا، کتاب‌هایی را نیز در «فلاحت و باغبانی»، «همیزی املاک و اراضی و تعداد نفوس»، «فرهنگ لغت»، «زندگینامه نویسی بزرگان دین و دانش» و... تألیف نموده است که از میان تاریخ‌نگاری وی حکایتی دیگر دارد.

درباره تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه باید گفت وی یکی از پایه‌گذاران تاریخ‌نگاری مدرن فارسی است و به خصوص اینکه باتکیه بر ملیت، به کشف بسیاری از مجهولات تاریخی ایران دست زده و با حذف برخی از مجموعات تاریخی، گرد و غبار زمانه را از گوشه‌هایی از تاریخ ایران سترده است.

وی از جمله دلایل و انگیزه‌های خود برای تألیف آثار تاریخی را چنین بیان نموده است:

«خود را مصمم نمودم که شرح حال ایران را از حیث تاریخ و جغرافی مرقوم دارم که وطن من و مملکتی است که در آن مسکن دارم و شاکرم»^۲.

«تاریخ‌نویسی» [این فن شریف، با کثرت تصانیف، در ایران سخت سست و ضعیف بوده، چه از بنیاد تا اول ظهور دولت اسلام را اخبار صنماف و عجایب خرافات از حیث اعتبار و قبول خاصه خارج کرده و در میان سلاسل قدیمه ملوک عجم اسامی بسیاری از سلاطین سقط شده است»^۳.

«برای ملتی متمدن و امتی نامی نقصی از این بزرگ‌تر متصور نباشد که تاریخ مملکت خود نداند و از سوانح سوائف ایام آن به کلی بی‌خبر ماند [...] چنین قومی نباتات را مانند که از ریشه و اصل خود غافلند و از لذت و حظّ مشاعر و مدارک انسانی محروم و به جنبه جمادی مایل»^۴.

«در مخازن حکم و ادب، و خزاین صحف و کتب عجم، جای تاریخ ایران خالی است و از طبقات سلاطین قدیم این مملکت یعنی پیشدادیان و کیان و اشکانیان که قبل از ظهور دولت اسلام در این مملکت اسم و رسم شاهنشاهی نداشته‌اند، اصلاً خبری نیست و حال آن که از جمله پادشاهان جهان در آن قرون ماضیه و ازمنه، اولویت و تقدم ایشان را بوده»^۵.

پس با این دلایل و انگیزه‌هاست که سهم بزرگی از تاریخ‌نگاری ایران را به خود اختصاص می‌دهد.

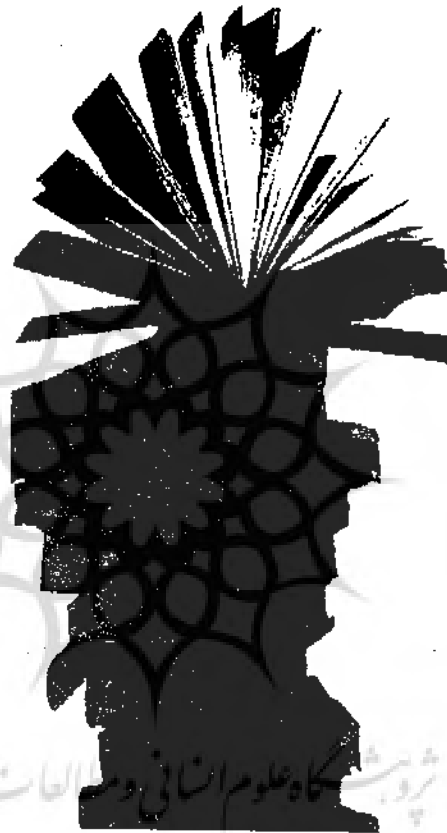
در زندگی اجتماعی آنچه که اعتمادالسلطنه را پیوسته خشمگین و در رنج فرو برده کینه‌ورزی و عناد حسودان بوده، به گونه‌ای که در موارد متعددی به این مسئله پرداخته است. کمالاتی که در کتاب «تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران» می‌گوید:

«در این ریاست مطبوعات و دارالترجمه که حالا علی‌الرسم المعمول به اسم وزارت نام برده می‌شود، چه در تألیفات شخصی خود چه در مؤلفات جدید سائرین به قدری که قول و نصیحتم نفوذ داشت راهنمایی و خدمت کردم و مطلقاً از استهزاء مستهزئین پروا نداشتم و خود را همسر و هم شأن آنها نپنداشتم چه آن فرقه بعضی جهولند و اغلب عنود، بلکه جمله حسود، ترک تواضعی که به سهو از من بینند یا حرفی از مفسدی غماز نشوند برنجند و کمر قلم ببندند و زحمات چندین ساله مرا که در عالم علم و

مدنیت معروف است هیچ پندارند و جزء ترهات شمارند و بارها این کار شده»^۶.

و یا در کتاب «خیرات حسان» جلد دوم در پاسخگویی به کسانی که بر او خرده گرفته‌اند که چرا کتابی در احوال زنان ترجمه و تألیف نموده وقایده این کتاب چه خواهد بود می‌گوید:

«یک دو نفر یاوه‌گوی بی‌کار که اسباب گذراندن وقت و تحصیل قوت خود را عیب‌جویی دانسته‌اند مضمونی تازه هدیت را بهم مشربان خود برند و ذله خوان ایشان خوردندو این تازگی ندارد همیشه از این قبیل حرف‌ها در دنیا بوده است [...] آن که گفت خیرات حسان به چه کار آید، جوابش این است که برای تو هیچ کار نخواهد آمد، ملائمت طبع، تو را پیش



از این نوشته‌اند؛ چار درویش، اسکندرنامه، حیدرپیک، حسین کرد و امثال آنها»^۷.

مساعی آقای فرید قاسمی در تألیف کتاب «مشاهیر مطبوعات ایران» که جلد اول آن به «اعتمادالسلطنه» اختصاص داده شده مشکور است و جای بسی سیاست و ارج‌گذاری دارد که عاقبت جای خالی کتابی که می‌بایست از چند دهه پیش درباره اعتمادالسلطنه نوشته می‌شد اکنون به همت و تلاش یکی از پژوهشگران مطبوعات ایران به زیور طبع آراسته شده است.^۸

آشنایان به تاریخ مطبوعات ایران بر این نکته وقوف دارند که علیرغم دید منفی برخی از نویسندگان و مورخین نسبت به اعتمادالسلطنه، وی یکی از پایه‌گذاران مطبوعات ایران به شمار می‌آید و چه بسا اگر زحمات بیدریغ او نبود، مطبوعات ایرانی عصر قاجار در مسیری کندتر از آنچه که پیموده است قرار می‌گرفت.

جلد اول کتاب «مشاهیر مطبوعات ایران» شامل یک

مقدمه و چندین بخش است. مؤلف ابتدا «سالشمار زندگی» اعتمادالسلطنه (صص ۱۷-۲۴) را بدست داده و آنگاه ذیل «تاز تولد تا روزنامه‌نگاری» (صص ۲۵-۳۳) به اختصار گوشه‌هایی از زندگی وی را عیان نموده است. اطلاعاتی که در این بخش و بخش‌های دیگر کتاب درباره زندگی و حیات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه ارائه شده اندک است و نیاز خواننده پراشتیاق را برطرف نمی‌سازد و افزون بر این، به جا بود که گزارشی ولو اندک از خاندان اعتمادالسلطنه (اجداد و فرزندان وی) نیز ارائه می‌گردید.

بخش بعدی کتاب «کارنامه مطبوعاتی» (صص ۳۵-۱۶۲) است که مؤلف تلاش نموده تا در آن، ضمن معرفی نشریاتی که به مدیریت اعتمادالسلطنه منتشر شده‌اند، آنچه را که در این خصوص لازم می‌دانسته به خوانندگان ارائه نماید. در بخش یادشده به این نشریات پرداخته شده و به خوبی حق مطلب ادا شده است: روزنامه مرآت السفر، سالنامه ایران، روزنامه ایران، روزنامه علمی، مریخ، اطلاع، شرفه اردوی همایون و آکودو پرس.

موضوع «اداره روزنامه‌جات، دارالطباعة و وزارت انطباعات» (صص ۱۶۳-۲۴۲) می‌بخت بعدی کتاب است. در این بخش ابتدا از انتخاب اعتمادالسلطنه برای «انتظام عمل دارالطباعة» در سال ۱۲۸۸ هجری قمری سخن گفته شده و سپس درباره تبدیل «اداره دارالطباعة مبارکه و روزنامه‌جات دولتی» به «وزارت انطباعات» که در سال ۱۳۰۰ هجری قمری اتفاق افتاده مطالبی بیان گردیده و ضمن رد این ادعای برخی از اصحاب قلم که اعتمادالسلطنه را پایه‌گذار سانسور در ایران دانسته‌اند؛ مختصری درباره سانسور و ممیزی در دوره اعتمادالسلطنه گفته شده و آنگاه نص مطالبی را که «سالنامه دولت علیه ایران» از شماره ۱ تا ۲۱ در طی سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری پیرامون «دارالطباعة و دارالترجمه خاصه همایونی» و «اداره دارالطباعة مبارکه و روزنامه‌جات دولتی» و «وزارت انطباعات و دارالترجمه خاصه» آورده، درج نموده است.

در تکمیل تحقیقات آقای فرید قاسمی به این مورد نیز اشاره می‌شود که اعتمادالسلطنه در کتاب «تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران» به خدماتی که در دوره ریاست و وزارت وی بر «اداره دارالطباعة» و «وزارت انطباعات» صورت گرفته چنین اشاره نموده است:

«در این ریاست مطبوعات و دارالترجمه که حالا علی‌الرسم المعمول به اسم وزارت نام برده می‌شود [...] دانشمندان فاضل متبحر از هر ملت که یافتیم دور خود جمع کردم و به قدر استطاعت کفالت ایشان نموده و می‌نمایم اگرچه نان جوین و جامه پشمین من درخور معاش ایشان نیست. چون در عنصر خود قرار گرفته و چنانند که السمک فی‌الماء، با من و این آب و نان قلیل ساخته‌اند و خیالات دیگر را به دور انداخته، اللهم کثر امثالهم و ضاعف اقبالهم. نیز زیاده از چهار هزار جلد کتاب از هر زبان از فرنگ و مصر و قسطنطنیه و هند خریدم و به اعانت آن اشخاص و معاونت این اسباب، از مدد بخت به این سعادت رسیده. اگر با آنها که امروز محشورم اغلب قدر مرا ندانند، ممکن است بعد از صد سال دیگر که رسم برپا نمودن مجسمه دانشمندان در ایران برقرار شود، فرضاً که از فلزات گران بها

و احجار نفیسه به پاداش خدمات علمیه که نموده‌ام» مجسمه مرا نسازند، اقل از گل و گنج آن را مجسم دارند.» بخش بعدی کتاب به «کارنامه انتشاراتی» اعتمادالسلطنه (صص ۲۴۹-۳۹۰) اختصاص داده شده و در آن پیرامون کتاب‌ها و رساله‌هایی که او تألیف و یا ترجمه نموده به تفصیل سخن گفته شده است و علیرغم توضیحات مبسوطی که پیرامون برخی از کتاب‌های اعتمادالسلطنه داده شده، فهرستی جامع و واحد از آثار چاپ شده و چاپ نشده وی به دست داده نشده و فی‌الواقع خواننده‌ای که بخواهد تکیه بر این کتاب به صورت سهل‌الوصول با نام و نشان کتاب‌های وی آشنا شود به سهولت به خواسته خود نخواهد رسید.

در بخش فوق‌الذکر، در زیر عنوان «کتابشناسی آثار چاپی اعتمادالسلطنه» (صص ۳۶۹ - ۳۷۹) بخش اعظم کتاب‌های چاپ شده وی ثبت گردیده و در صفحات ۳۷۹-۳۸۱ شماری از کتاب‌های وی به نقل از دو مقدمه‌ای که آقای ایرج افشار بر دو کتاب «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» و «المآثر و الآثار» نوشته درج گردیده و سپس در ادامه آن، در زیر عنوان «آثار اعتمادالسلطنه در فهرستواره کتاب‌های فارسی» (صص ۳۸۱-۳۹۰) به نقل از این کتاب، شماری از کتاب‌های وی ثبت شده است.

در اینجا به جهت تکمیل این بخش از تحقیقات نویسنده محترم یادآور می‌شود که اعتمادالسلطنه در یکی از آثار خود که به سال ۱۳۱۱ هجری قمری تألیف نموده، خبر از این داده است که متجاوز از ۳۰ جلد کتاب در علوم مختلف، خصوصاً در تاریخ و جغرافیا تألیف نموده است. «این ذره بی‌مقدار و ضعیف خاکسار، اگر تحمل این قسم زحمات نموده و زیاده از چهل سال تمام زندگانی خود را صرف تحصیل کرده، و جهاً من‌الوجه به عیش و تنعم که جوانی داعی آن است نپرداخته و [...] در سفر و حضر آنی از آموختن غفلت نورزیده، متجاوز از سی جلد کتاب در علوم متنوعه خاصه در جغرافیا و تاریخ طبع و تألیف نموده و منتشر ساخته. خداوند تبارک و تعالی گواه است که منظوری و مقصودی نداشته جز این که به پارسی زبانان دنیا دو خدمت کرده باشم: اول آن که سبک و اسلوب انشاء و مراسلات سابقه را که فهم آن برای قاطبه مردم مشکل می‌نمود، جرح و تعدیل نمایم و رسم مفلح‌نویسی و قید به سجع و قافیه را براندازم. ثانی آن که به نشر معلومات مهمه پردازم.»^{۱۱}

در ضمن یادآور می‌شود در کتابخانه ملی ایران دو عنوان از آثار خطی اعتمادالسلطنه نگهداری می‌شود که یکی ترجمه و دیگری تألیف است. نام و مشخصات این دو اثر در کتاب آقای فرید قاسمی ثبت نگردیده است:

۱. ترجمه ردایل مردم انگلیس / مترجم: اعتمادالسلطنه. سال ترجمه: ذی‌حجه ۱۳۰۲ ق. اهدا به ناصرالدین شاه.^{۱۲} این کتاب در کتابخانه یادشده تحت شماره (۸۸۳ ف) نگهداری می‌شود.

۲. تحقیق در مذهب و طریق علی‌اللهی / از: محمدحسن مترجم. تألیف ۱۳۰۱ ق.^{۱۳} این کتاب در کتابخانه یاد شده تحت شماره (۹۱۸ ف) نگهداری می‌شود.

بخش بعدی کتاب، «مرگ اعتمادالسلطنه» (صص

۳۹۱-۴۰۴) عنوان دارد. در این بخش مختصری درباره چگونگی مرگ وی و سپس برخی اظهارنظرها و... درج شده است.

در اینجا لازم است تا به این نکته اشاره گردد که محمدعلی تربیت در کتاب «دانشمندان آذربایجان» تحت مدخل «اعتمادالسلطنه» از مرگ وی چنین یاد کرده است: «مشارالیه شب پنج‌شنبه ۱۸ شوال سنه ۱۳۱۳ با مرض سکنه درگذشته و پنجاه و اند سال عمر کرده و در فوت او چنین گفته‌اند:

بهر تاریخ وفات میر راد

آن وزیر فاضل باطننه

از در رحمت سرورش غیب گفت

در جنان شد اعتمادالسلطنه»^{۱۴}

آخرین بخش این کتاب «پیوست‌ها» (صص ۴۰۵-۴۶۱) عنوان دارد و در آن گزیده‌ای از آنچه که در خاطرات و مکتوبات مختلف درباره اعتمادالسلطنه آمده ثبت گردیده و ضمن آن، گزیده‌ای از احکام ناصرالدین شاه که درباره وی صادر گردیده درج شده است.

پایان بخش کتاب نیز به «منابع»، «نمایه» و «تصویرها» اختصاص داده شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دکتر قاسم غنی در اشاره به کتاب خیرات حسان که یکی از آثار اعتمادالسلطنه است، از پدر وی یعنی حاج علی خان مقدم مراغه‌ای که قاتل میرزا تقی خان امیرکبیر بوده به این قسم یاد کرده است:

«کتاب خیرات حسان از تألیفات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه پسر حاج علی خان حاجب‌الدوله مقدم مراغه‌ای. حاج علی خان از نوکرهای دربار محمد شاه و در اواسط دوره سلطنت او منصب نظارت داشت. در ۱۲۶۱ مورد خشم واقع شده از منصب خود معزول شد و بعداً او را چوبی زده مجوس ساختند. بعد رهایی یافته به مکه مشرف شد و در مراجعت او، طولی نکشید که محمد شاه مرحوم، و ناصرالدین شاه به تهران آمد.

میرزا تقی خان امیرکبیر دوباره او را وارد نوکری دربار ساخت و او فرمایشی شد. در سفر و حضر با شاه بود و با آن که از محارم و بستگان امیرکبیر محسوب بود، نزد رقبای او تیز رفت و آمد داشت و با میرزا آقا خان نوری و میرزا یوسف مستوفی الممالک و امثال آن سر و سری پیدا کرده بود، خلاصه تقریباً جاسوس آنها بود. پس از تبعید امیرکبیر به کاشان و استقرار او در قریه فین، معاندین او شاه جوان را وادار به قتل او ساختند و برای این منظور، حاج علی خان فراش‌باشی داوطلبانه عازم شد و در فین (در حمام) کار آن مرد بزرگ را ساخت. معروف است که وقتی رگ‌های امیر را زده بودند، در اثباتی حال از خود رفتگی، ناگهان امیر از جا جسته سیلی به او نواخت و گفت نمک‌شناس بر فرض من باید کشته شوم تو چرا باید این مأموریت را قبول کنی و حاج علی خان یا فراشان خود امیر را خفه ساخت. این مرد پس از مراجعت به تهران (حاجب‌الدوله) لقب یافت و چند سال بعد (اعتمادالسلطنه) لقب گرفت.»

ن.ک: یادداشت‌های دکتر قاسم غنی (ج ۴) / به

کوشش سیروس غنی و واله اسفندیاری. چاپ اول: لندن، ناشر: سیروس غنی، ۱۳۵۹، ص ۱۹۴.

۲. چنانکه از پی‌نوشت فوق نیز بدست می‌آید، لقب اعتمادالسلطنه ابتدا به حاج علی خان اعطا گردیده بود که این لقب بعداً به پسر وی محمدحسن خان داده شد.

۳. مرآة البلدان / محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. به کوشش: عبدالحسین نوایی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۳.

۴. المآثر و الآثار: چهل سال تاریخ ایران در دوره ناصرالدین شاه (ج ۱) / محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. به کوشش: ایرج افشار. تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱.

۵. درر التیجان فی تاریخ بنی اشکان (ج ۱) / محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. تهران، دارالانطباعات و دارالترجمه، ۱۳۰۹ ق، صص ۳-۴.

۶. درر التیجان (پیشین)، ص ۳.

۷. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران / محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. به تصحیح: میرهاشم محدث. چاپ اول: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۸.

۸. خیرات حسان (ج ۲) / محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. تهران، دارالطباعه خاصه همایونی، ۱۳۰۵ ق، صص ۲۰۵-۲۰۷.

۹. البته نیاست فراموش کرد که حق تقدم در معرفی اعتمادالسلطنه با برخی از رجال اهل قلم همچون ایرج افشار، عبدالحسین نوایی و دیگران خواهد بود چرا که آنان ضمن تصحیح برخی از آثار اعتمادالسلطنه، فرازهایی از زندگی و حیات وی را نیز روشن نموده‌اند.

۱۰. تطبیق لغات جغرافیایی (پیشین)، صص ۱۸-۱۹.

۱۱. تطبیق لغات جغرافیایی (پیشین)، صص ۱۷-۱۸.

۱۲. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران (جلد دوم: کتب فارسی) / سیدعبدالله انوار. چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۹، صص ۴۱۷-۴۱۸.

۱۳. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران (پیشین)، صص ۴۵۲-۴۵۳. یادآور می‌شود در فهرست یادشده آمده است: «از محمدحسن مترجم (ظاهراً اعتمادالسلطنه)» و در بیان چگونگی کتاب و آغاز و انجام آن نیز به این مطلب اشاره گردیده که در پایان این نسخه این عبارت مندرج است: «تألیف خانه‌زاد بی‌مقدار محمدحسن مترجم جمادی‌الثانی ۱۳۱۰». در توضیح کلمه «خانه‌زاد» باید گفت که این کلمه نه تنها تعلق خاطر نویسنده را به ناصرالدین شاه می‌رساند بلکه اهدای کتاب به ناصرالدین شاه را نیز حکایت دارد. در ضمن با تحقیق و تفحصی که در نویسندگان و مترجمان دارالطباعه شد، نویسنده و یا مترجمی به نام محمدحسن جز محمدحسن خان اعتمادالسلطنه دیده نشد.

۱۴. دانشمندان آذربایجان / محمدعلی تربیت. چاپ اول: تبریز، بنیاد کتابخانه فردوسی، ۱۳۵۵، ص ۴۵.

مصراع آخر شعر یادشده در حساب ابجد برابر است با ۱۳۱۳ که سال وفات اعتمادالسلطنه است.